

نگاهی به اصلی ترین جنبه های فنی و محتوایی در سینمای مسعود جعفری جوزانی

شعری که سینماست

مسعود جعفری جوزانی دو جنبه اصلی در کارهایش دارد که او را متمایز می کنند. یکی از آنها جنبه بصری کار اوست که البته شرح جزئیاتش مبسوط تر و مفصل تر از اینهاست



میلاد جلیل زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

اما می توان این جنبه های بصری را با سابقه جوزانی در سینمای انیمیشن مرتبط دانست. جنبه دیگر نگاه به ویژگی های ملی و مذهبی جامعه ایران و توجه خاص به تاریخ کشور، به خصوص تاریخ معاصر است. در دو بخش جداگانه نگاه مختصری به این دو ویژگی در کارهای مسعود جعفری جوزانی، داشته ایم. کارگردانی که تصاویرش به تابلوهای نقاشی شباهت دارند و این تابلوها را می توان نسخه بصری شده اشعار فارسی دانست.

عمو مسعود و دنیای انیمیشن

و فیلم «با من حرف بزن» را ساخت. فیلمی که در سومین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین را دریافت کرد. در همان ایام او به عنوان شروع کار حرفه ای اش در سینمای ایران، مشاور پروژه ماندگاری به نام «شهر موش ها» شد. با کار در کانون و فراهم کردن امکان ساخت اولین فیلم بلند سینمایی اش یعنی «جاده های سرد»، جوزانی به تدریس در دانشگاه هنر صداوسیما و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و همچنین مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی باغ فردوس پرداخت و به تربیت شاگردانی همت گماشت که بعدها هنرمندان برجسته سینما و انیمیشن ایران شدند. ازجمله آنان همسرش فهیمه سرخابی است که فیلم انیمیشن او به نام «گناه اول» در سال ۷۷ به فستیوال کن راه یافت. جعفری جوزانی تا سال های سال یکی از مدرسان برجسته انیمیشن در سینمای ایران بود. پس از اینکه سریال در چشم باد از تلویزیون پخش شد، اعلام شد که کتاب آن هم در بازار به فروش می رسد. یعنی تمام این مجموعه طولانی که از ۴۴ قسمت ۵۰ دقیقه ای تشکیل شده بود، دارای استوری برد بوده است و حتی یک پلان آن بدون حساب و کتاب جلوی دوربین نرفته است. این حد از دقت و وسواس که تمام پلان های یک مجموعه طولانی را قبل از ضبط، با ذکر جزئیات و لنز و فیلتر به خصوص آن نقاشی کرده باشند، تنها از یک استاد انیمیشن برمی آید.

گرفته بود. جوان ها همچون مرغان منطق الطیر در پی چاره جویی به سمت قاف حرکت می کنند تا بداند چگونه بر ضحاک چیره می شوند و در نهایت سیمرغ از سسی مرغ متولد می شود. فرزاتگان قوم، خویش را در دیوار و سقف آبگون غار می بینند و درمی یابند منجی شان کسی یا جایی دور از جمع شان نیست و جمع آنهاست که جایگزین یک فرد خواهد شد. «کاملا مشخص است که مسعود جعفری جوزانی این فیلم را در حال و هوای رصد کردن اوضاع انقلابی ایران ساخته است؛ همان حال و هوایی که بیژن ایرانی، قهرمان سریال در چشم باد، در مقطعی که داخل یک دانشگاه آمریکایی به تدریس طبابت مشغول است، به آن دچار می شود. جعفری جوزانی هم زمان با اوج گرفتن اعتراضات مردمی در ایران، به کشور بازگشت. فیلم مستند «به سوی آزادی» حاصل فعالیت او در دوران پیروزی انقلاب اسلامی است که از تلویزیون هم پخش شد. پس از ساخت این مستند که با استقبال عمومی روبه رو شد، جوزانی به همکاری با صداوسیما پرداخت و در آنجا نخستین واحد انیمیشن را راه اندازی کرد. انیمیشن های «تصویر شکسته» و «گریز» از یادگارهای آن دوران است. بعد از مدتی همکاری با صداوسیما و به علت بعضی اختلاف سلیقه ها با مسئولان وقت، به همکاری با آنها خاتمه داد. او پس از قطع همکاری با صداوسیما به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پیوست

و پیشتر هم داستان های ترسناک برای آن دوره سنی، کتاب هایی که آن زمان رایج بود. فیلمی که در خانه شخصی جعفری جوزانی و با کمک همسرش ساخته شد. خاطره این فیلم با من ماند تا ده ها سال بعد که فهمیدم نام آن فیلم «آغاز» است، ساخته مسعود جعفری جوزانی در آمریکا و باز ده ها سال بعد دانستم که آن فیلم را در خانه شخصی خود و به کمک همسرش «لایرین» با کمترین امکانات ساخته و فیکس فریم فیلمبرداری کرده و گروه هدف مخاطبش بیشتر دانشجویها و توده های مردم بوده است، اما در اول انقلاب که آرشبو سازمان تهی از برنامه مناسب برای کودکان و نوجوانان با هنجارهای آن سال ها بوده، «آغاز» را برای کودکان و نوجوانان به خاطر عروسکی بودن مناسب پخش دانستند. «کریمی سپس ادامه می دهد: «ده ها سال بعد «آغاز» را دیدم، همان داستان تسلط ضحاک پسر مرداس بر خاک ایران زمین، تسلط یک تازی، یک بیگانه که نماینده اهریمن است، تا این جای داستان همان قصه آشنای شاهنامه است، اما فیلمساز برخلاف داستان شاهنامه، راه حل را نه براساس الگوی پیشنهادی این کتاب، یعنی کمک و پاری رساندن و بر تخت نشاندن فرد برگزیده ای که از پیش به خاطر فره ایزدی انتخاب شده که به نوعی با رأی مردم، می خواهد جایگزین ضحاک را پس از سرتگون شدن، انتخاب کند که برای این مقصود، فیلمساز از منطق الطیر کمک

مسعود جعفری جوزانی در اصل یک انیمیشن ساز است و این را از کیفیت بصری کارهایش، نوع میزاسنسن ها، رنگ بندی های زیبا و حتی سرعت حرکت اشیا در قاب ها می توان فهمید. از بین کارگردانان هم نشلس اش افراد دیگری هم بودند که پیشینه اصلی شان به انیمیشن برمی گشت. مثلا ابراهیم حاتمی کیا و شهریار بحرانی. اتفاقا در کارهای دوره اوج این افراد هم می شود کیفیت های بصری برتر را دید. جعفری جوزانی پایان نامه فوق لیسانس خودش را هم دستمایه ای برای بیان عقاید سیاسی اش قرار داد. پایان نامه او انیمیشنی بود به نام «آغاز» که با داستان ضحاک ماربده دوش شروع می شد و در منطق الطیر عطار فرود می آمد. محمد هادی کریمی، کسی که چند دهه بعد از ساخته شدن این انیمیشن، در نگارش فیلمنامه «ایران پرگر» همکار جعفری جوزانی شد، درباره این انیمیشن می گوید: «در نخستین سال بعد از پیروزی انقلاب، یک فیلم عروسکی که با موم ساخته شده بود برای مخاطبان کودک و نوجوان آن سال ها پخش شد. داستان ضحاک مار به دوش، اما من که کودک چندان شجاعی نبودم، از مارهای روی دوش ضحاک که قرار بود مغز جوان های ایران زمین را ببلعد وحشت کردم و ادامه اش راندیدم، پیش تر از آن مادرم از روی کتاب خلاصه داستان های شاهنامه، برایم همین داستان را خوانده بود. کلی هم کتاب کودکان داشتیم که می خواندم

عمو مسعود و تاریخ

پیش از آن هزینه های پروژه با سرمایه شخصی مسعود جعفری جوزانی انجام می شد و پس از درگذشت علی معلم و عقد قرارداد با سرمایه گذاران خارجی، کار ساخت پروژه آغاز شد ولی متأسفانه با پدید آمدن مشکلاتی بر سر راهشان پروژه متوقف شد و تا به حال جلو نرفته است. فیلمساز موفق سینما و تلویزیون ایران بعد از تمام این ناکامی های ساختاری که اجازه نداد ایده هایش بصری شوند، سراغ ساخت سریال «یعقوب لیث» رفت. فیلمنامه یعقوب لیث درباره بنیانگذار دودمان صفاریان در سیستان و روایتگر قوت، ساده زیستی و نقش این اسطوره تاریخی در اتحاد ایرانیان است. یعقوب لیث صفاری، رویگرزاده و عیار جوانی بود که متأثر از قصه های رستم، به یاری فقر و مظلومان شتافت و با دسته کوچک عیارانش که به خاطر سخاوت و فتوت او دورش جمع شده بودند، در نظر اهل سیستان، به یک پهلوان افسانه ای بدل شد. قرارداد تحقیق و نگارش فیلمنامه پروژه یعقوب لیث در حوزه تاریخ و تمدن ایرانی، در سال ۱۳۹۸ بین بنیاد سینمایی فارابی و مسعود جعفری جوزانی منعقد شد و گفته می شود که این مجموعه نهایت از شبکه نمایش خانگی توزیع خواهد شد. ظاهرا تلاش های پیگیرانه و بی درپی جعفری جوزانی برای ساخت آثار جدی و عظیم تاریخی در تلویزیون، به قدری ناکام ماند که او نهایتا مجبور شد راه شبکه نمایش خانگی را در پیش بگیرد.

شد. سپس در سال ۱۳۷۶ مسعود جعفری جوزانی و شهریار روحانی امتیاز فیلمنامه باسکرویل را از حوزه هنری بازخرید کردند و نشر ابتکار این فیلمنامه را در سال ۱۳۸۷ در قالب کتاب منتشر کرد. مسعود جعفری جوزانی سال ها بعد با کمپانی های فیلمسازی آمریکایی و یک شرکت کانادایی قراردادی برای ساخت فیلم سینمایی باسکرویل در ایران بست اما هر کدام به دلایلی به نتیجه نرسید؛ به جز آخرین قراردادی که با انجمن «در جست و جوی زمینه مشترک» بسته شد و حتی برای ساخت فیلم، مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم صادر شد و طبق گزارش روزنامه فیگارو، تهیه کننده آمریکایی تصمیم داشت از برد پیت در نقش هوارد باسکرویل استفاده کند اما به دلایلی این فیلم ساخته نشد. یک پروژه ناتمام دیگر از جوزانی، «پوریای ولی» است. مسعود جعفری جوزانی فیلمنامه پوریای ولی را برای ساخت یک مجموعه تلویزیونی در پنج فصل با ۵۲ قسمت پنجاه دقیقه ای نوشت اما با اینکه قرارداد ساخت این مجموعه تلویزیونی با سیمای جمهوری اسلامی منعقد شد، به علت تغییر مدیریت سازمان این سریال ساخته نشد و در نهایت نشر آن پنا در سال ۱۳۹۶ آن را در قالب کتاب منتشر کرد. پروژه ناسر انجام دیگری که جوزانی در دستور کار داشت، «گورش کبیر» بود. علی معلم یکی از تهیه کنندگان این پروژه بود اما پس از درگذشت علی معلم، سناریو به سرمایه گذاران دیگری واگذار شد. تا

به ایران برگردد هم فیلم های کوتاه و انیمیشنی ساخته بود که نشان دهنده علاقه ویژه اش به تاریخ ملی و مذهبی ایران است. همچنین در این فیلم ها می شد علاقه وافر این فیلمساز به ادبیات ایران، چه ادبیات حماسی و چه عرفانی را به وضوح دید. او وقتی به ایران برگشت، سال ۱۳۶۲ در تلویزیون انیمیشن کوتاه «گریز» را ساخت که براساس مثنوی معنوی مولوی تهیه شده بود. همان سال «تصویر شکسته» از او بیرون آمد که انیمیشن کوتاه دیگری براساس مثنوی معنوی بود. علاوه بر تمام اینها، با نگاه به پروژه های بر زمین مانده جعفری جوزانی هم می شود علاقه اش به تاریخ را کاملا دریافت. مسعود جعفری جوزانی قصد داشت پس از سریال در چشم باد به سفارش سیمافیلیم کارگردانی سریالی درباره زندگی خواجه نصیرالدین طوسی را برعهده بگیرد که فیلمنامه این اثر مجالی برای ساخت نیافت. یک پروژه بر زمین مانده دیگر از او فیلم سینمایی «باسکرویل» است. ماجرای این فیلم داستان هوارد باسکرویل، دانشجوی فارغ التحصیل دانشگاه پرینستون است که در سال ۱۲۸۴ برای تدریس به ایران سفر می کند و سفرش همزمان می شود با آغاز انقلاب مشروطه در ایران و باسکرویل آگاهانه برای شکستن محاصره تبریز توسط قوای محمدعلی شاه تلاش می کند. مسعود جعفری جوزانی فیلمنامه باسکرویل را در سال ۱۳۷۲ نوشت که امتیاز آن توسط حوزه هنری خریداری

جعفری جوزانی فیلمسازی است که مایه اصلی کارهایش را تاریخ معاصر ایران تشکیل می دهد و یک جنبه بسیار ممتاز از روایتهایی تاریخی است که نه در دالان های پرزرق و برق سیاسی، بلکه در پس کوجهای شهر یا پشت کوه های بلند و میان مردم عادی روستا می گذرد. «جاده های سرد»، «شیر سنگی»، «در مسیر تندباد» و «یک مرد، یک خرس» چهار فیلم متوالی او هستند که زمان روایت شان تاریخ معاصر ایران است و مکان روایت آنها روستاهای لرستان؛ هر چند بعضی از این فیلم ها به طور مستقیم جنبه سیاسی ندارند و روایتی ساده از زندگی مردم روستا هستند. در سال ۱۳۷۳ پنجمین فیلم جعفری جوزانی به نام «دل و دشنه» ساخته می شود که روایتی است مربوط به دوران پس از جنگ اما حال و هوای آن همچنان روستایی و ایلیاتی است. جوزانی در سال ۱۳۷۷ فیلم «بلوغ» را ساخت و برای اولین بار به دنیای قصه های معاصر شهری پا گذاشت. پس از آن او سراغ ساخت مجموعه «در چشم باد» رفت که فقط دو سال نگارش فیلمنامه اش زمان برد و چند سال هم فیلمبرداری اش به طول انجامید. در چشم باد هم چنان که تقریبا همه می دانند، یک مجموعه تاریخی است. «ایران پرگر» و «پشت دیوار سکوت» فیلم بعدی جعفری جوزانی هستند که تا این لحظه پس از در چشم باد ساخته شده اند و البته به نظر نمی رسد که ساخت آنها اولویت اصلی کارگردان شان بوده باشد. جوزانی قبل از اینکه

گفت و گو

کامبیز دیرباز در گفت و گو با «فرهیختگان» از مسعود جعفری جوزانی می گوید

باسواد و دوست داشتنی



بزنند و بپرسند چون واقعا برای عمو جان مهم بود که این اتفاق بیفتد و حتما همین خوش باشد. ممکن است در تصویر فقط یک پلان هم باشد و گذری از آن رد شویم، اما واقعا برایشان مهم بود که حتما همان چیزی که در فیلمنامه نوشته شده در صحنه باشد. شاید الان کارگردانی باشد که بگوید ما در این ظرف از آن خوش های آماده می ریزیم و کسی هم متوجه نمی شود، اما آقای جوزانی اعتقاد داشتند که همان چیزی که می گویم باید باشد و این همان ارزشی است که برای همه چیز قائل بودند و این موضوع ناخودآگاه به همه عوامل و بازیگران منتقل می شد تا همه برای ریزه ریز کار از ارزش قائل شوند. «او با یادی از ماه چهره خلیلی که در این سریال بازی کرده بود، می گوید: «ماه چهره خلیلی نقش مادر من را بازی می کرد و جا دارد که در این گفت و گو یادی از او کنم و هنوز هم نمی توانم باور کنم که نیست و برایش طلب آمرزش می کنم.»

اول را قبول می کنم، بعد از آن پنج یا ۶ ماه بعد زنگ زدند و برای نقش نادر من را خواستند، «دیرباز در مورد اینکه برای جوزانی به عنوان کارگردان چه چیزهایی مهم است و در اولویت قرار دارد، می گوید: «ببینید من باید کمی این سوال شما را تغییر بدهم، اینکه چه چیزهایی برای ایشان مهم بود، جواب دادنش خیلی سخت و زمان بر است، بهتر است بگویم چه چیزی برایشان مهم نبود، این را خیلی راحت می توانم جواب بدهم، هیچ چیزی نبود که برایشان مهم نباشد. از بند کش تا لباسی که تن ما بود، از کلاه لباس و ساعتی که برای نادر گذاشته بودند تا کوچک ترین چیزهایی که در صحنه بود برای ایشان مهم بود، الان یادم می آید که در صحنه ای در پامنار که خانه پدری خانواده ایرانی در آنجا بود همه خانواده دور هم جمع بودند و آقای جوزانی در توضیح صحنه نوشته بودند که همه در خانه جمع هستیم و مادر خودش شیش انداز و شامی اتابکی پخته است، وقتی من سر صحنه رسیدم، دیدم بچه های صحنه همین جور استرس دارند و می گویند نمی دانیم این خوش چیست و در نهایت مجبور شدند به مادر بزرگ هایشان زنگ

ضروری بود. «او در پاسخ به سوالی در مورد پذیرفتن نقش در این سریال می گوید: «اینکه چطور به من این نقش پیشنهاد شد باید بگویم به واسطه حضور در یک سریال اپیزودیک در دفتر جوان فیلم همراه با پژمان بازغی که دوست من بود، به آنجا رفتم و در یکی از اپیزودهای این سریال بازی کردم، عمو جان روی میز تدوین این سریال را دیدند، و بعد در پله های آنجا بعد از دیدنم، گفتند تو بازیگر خوبی می شوی و این موضوع هیچ وقت از خاطرم نمی رود و برایم جذاب بود که کسی این حرف رازده بود که برای اولین بار جادوی سینما را با فیلمش دیده بودم، اولین فیلمی که دیدم و برایم جذاب بود، فیلم در مسیر تندباد بود که کب وقتی کارگردان فیلم مورد علاقه ام، از بازی ام تعریف می کند، خیلی برایم مهم و دوست داشتنی است. بعد از آن در اخبار می خواندم که پروژه در چشم باد شروع شده است. یک بار برای نقش پنجعلی صدایم کردند که در نهایت این نقش به شروین نجفیان سپرده شد، و من همان موقع عذرخواهی کردم و گفتم خیلی دوست دارم با عمو جان کار کنم، اما فقط نقش

مثل یک کتاب نفیس تاریخی که لازم است هر کتابخانه ای آن را داشته باشد، این سریال هم جایش در بین سریال های تاریخی تلویزیون خالی بود و خوشحالم که عضو کوچکی از این کتابخانه تاریخی بودم.» او که در طول این گفت و گو جعفری جوزانی را عمو جان خطاب می کرد، در توضیح این موضوع می گوید: «همه دوستانم در عالم سینما، ایشان را عمو جان خطاب می کنند و این را گفتم که خوانندگان شما هم بدانند.» دیرباز در ادامه صحبت هایش می گوید: «ایشان ده ها یا صدها جلد کتاب خوانند تا بتوانند فیلمنامه در چشم باد را بنویسند و با تاریخ صادق باشند و عین تاریخ را روایت کنند، این موضوع برایشان بسیار مهم بود.» این بازیگر در مورد جذاب ترین موضوع از این سریال می گوید: «جذاب ترین نکته در چشم باد این بود که روایتی از تاریخ معاصر ما را به تصویر کشید. این روایت، یک روایت خشک تاریخی نبود که تماشاچی را پس بزنند. در قالب یک داستان ملودرام زندگی یک خانواده بیان می شود. ساخت در چشم باد هم برای حضور در آرشبو تصویری سینما و تلویزیون ما کاری



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

کامبیز دیرباز، در گفت و گویی در مورد وسواس های مسعود جعفری جوزانی در ساخت سریال می گوید: «وسواس کلمه درستی نیست. من اسمش را می گذارم دقت. او با حوصله کار می کرد و اعتقاد داشت همه چیز باید درست همان طوری که هست اتفاق بیفتد. به نظر من این روش کاملا درست است. من خودم سینما را با دوئل شناختم و یاد گرفتم. در فیلم دوئل درویش اعتقاد داشت که همه چیز باید در خدمت پلان باشد. در پلان حتی یک مگس اضافه هم نباید پر بزند و تماما آن چیزی که در ذهن کارگردان است باید اتفاق بیفتد. در دوئل روزهایی بود که یک یا دو پلان می گرفتم. یا اصلا پلان نمی گرفتم. این کار هیچ ایرادی هم نداشت. آقای جوزانی هم همین دقت را داشتند و این دقت در نتیجه کارشان تاثیر داشت. به همین خاطر بود که پروژه ۴، ۵ سال طول کشید.»

به بهانه این چند صفحه و گفتن از جعفری جوزانی به سراغ کامبیز دیرباز رفتم تا برایشان از این سریال و کارگردانی جعفری جوزانی بگویم.

۱۱۱

در ابتدای گفت و گو از این می گوید که کل سریال «در چشم باد» برای من تبدیل به یک خاطره شیرین شد و معتقد است: «این سریال به یک خاطره سازی خاص در تلویزیون بدل شد،